[گلبرگ](http://www.hawzah.net/fa/magazine/numberlist/3282) معرفت [تیر 1386، شماره 88](http://www.hawzah.net/fa/magazine/magart/3282/4959/0)

**مناسبت ها: روز تبلیغ و اطلاع رسانی دینی**

**سید محمود طاهری**

|  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **جمعه، 1 تیر 1386**  **7 جمادی الثانی 1428**  **22 . Jun . 2007**  **اشاره**  مانایی و گسترش دین خدا در گرو «تبلیغ» است. اگر امروزه عطر خوش وحی در قالب مذهب و آموزه های اخلاقی در میان آدمیان پراکنده شده، بدان سبب است که پیامبران، اولیای الهی و سپس مبلّغان بزرگ دینی، به خوبی از عهده امر تبلیغ دین برآمدند و در کار تبلیغ، هرگز کوتاهی نورزیدند. قرآن کریم وظیفه اصلی پیامبران را تبلیغ آیین الهی دانسته است و می فرماید: «فَهَلْ عَلَی الرُّسُلِ اِلَّا الْبَلاغُ الْمُبین؛ آیا بر (عهده) پیامبران، چیزی جز تبلیغ آشکار است.» اهمیت تبلیغ تا آن جاست که خداوند در قرآن کریم به پیامبر خود می فرماید: «اگر آنچه را برتو نازل کردیم تبلیغ نکنی، (در واقع) رسالت خود را انجام نداده ای.» اساسا در پرتو تبلیغ، راه سعادت و هدایت بر روی انسان ها گشوده و مبانی اصلی فرهنگ اسلامی تبیین و درونی می شود. به دلیل اهمیت تبلیغ، این گفتار را به این موضوع اختصاص داده ایم.  **تبلیغ، نشانه مهرورزی خداوند به بندگان**  خداوند، بندگانش را دوست دارد. یکی از نشانه های این دوستی آن است که آنان را به حال خود رها نکرده است، بلکه به برکت تبلیغ و تلاش پیامبران، درِ بهروزی، نیک بختی و کمال روحی را بر آنان گشوده است. در خطبه اول نهج البلاغه، از زبان حضرت علی علیه السلام می خوانیم: «خداوند از پیامبران پیمان وحی گرفت تا امانت رسالت را به مردم تبلیغ کنند و برسانند... تا (در اثر این کار) توان مندی های پنهان شده عقل آنان را آشکار سازند.» باز از آن حضرت است که: «پیامبر، مردم را به جایگاه کرامت انسانی آنها سوق داد و راه رستگاری را شناساند.» این مهرورزی خداوند به بندگان خویش، بعد از پیامبران الهی و اهل بیت علیهم السلام ، در وجود مبلّغان راستین ادامه پیدا کرد؛ ره نمایانی که قدم در جای پای آن بزرگواران نهادند و همانند آنان، به حال انسان ها دل سوز بوده و هستند.  **تبلیغ، عامل آشتی بندگان با خداوند**  بسیاری از انسان ها به واسطه آنکه شناخت درستی از پروردگارشان ندارند، در اثر گناه کردن، خود را از قرب الهی بی بهره می سازند. در این میان، این مبلّغان دینی هستند که می توانند با تبلیغ درست، بندگان گریزپا را با پروردگارشان آشتی دهند. آورده اند که واعظی در بین سخنانش گفت: بار خدایا! سنگ دل ترین و پرگناه ترین افراد را بیامرز. پس مردی از جا بلند شد و گفت: دعایی را که گفتی دوباره تکرار کن! واعظ تکرار کرد. آن مرد گفت: به نظرم من همان مردی هستم که گفتی و آن گاه به درگاه الهی توبه کرد. همان واعظ در خواب ندایی شنید که: مرا خوشحال کردی؛ زیرا با سخنت، باعث صلح و آشتی بین من و بنده ام شدی.  نیز نقل است که روزی داوود علیه السلام به صحرا رفته بود. خداوند متعالی بدو وحی فرستاد که: ای داوود! چون است که تو را تنها می بینم؟ گفت: بار خدایا! شوق تو اندر دلم اثر کرده است و مرا از صحبت خلق باز داشته است. فرمود: برو باز نزدیک ایشان شو. اگر تو بنده گریخته ای را [در اثر تبلیغ] به درگاه من باز آری، نام تو را در لوح محفوظ خود، از جمله بزرگان ثبت می کنم.  **جایگاه والای مبلّغ**  ارزشمندی امر تبلیغ موجب شده است که مبلّغ جایگاهی والا بیابد و برتری ویژه ای برای خود رقم زند. معاویة بن عمار می گوید:به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مردی است که از شما روایت بسیار نقل می کند و میان مردم انتشار می دهد و آن را در دل ایشان استوار می سازد. از آن سو، عابدی از شیعیان شما را می بینم که همانند او نیست. کدام یک از این دو بهترند؟ فرمود: «آن که احادیث ما را روایت کند و دل های شیعیان ما را استوار سازد، از هزار عابد بهتر است».  **رمز برتری عالِم مبلّغ بر عابد خانه نشین**  سعدی شیرازی در حکایتی کوتاه، عالم دینی را که دل در هوای دیگران دارد و می کوشد با تبلیغ درست خویش، «دست غریق را بگیرد»، بر عابد خانه نشین که سر در سودای خویش دارد و تنها در آن اندیشه است که «گلیم خویش از موج به در برد»، برتری می دهد:   |  |  | | --- | --- | | صاحب دلی به مدرسه آمد ز خانقاه | بشکست عهد صحبت اهل طریق را | | گفتم میان عابد و عالِم چه فرق بود | تا اختیار نمودی از آن، این فریق را | | گفت آن گلیم خویش به در می بَرَد ز موج | وین جهد می کند که بگیرد غریق را |   **خیرخواهی مبلّغ در مورد همگان**  خیرخواهی در مورد انسان ها، ویژگی برجسته همه پیامبران، اولیای الهی و مبلّغان بزرگ دینی بوده است. جالب آنکه گستره این نیک طلبی، مردمان ناسپاس و دشمنان را نیز فرا می گیرد. به تعبیر زیبای صائب تبریزی:   |  |  | | --- | --- | | فیض روشن دل به نیک و بد برابر می رسد | پرتو مَه می فتد یکسان به آباد و خراب |   شمس تبریزی نیز در این باره می گوید: «انسان کامل می خواهد هشیاری دهد و ناپختگان را از خامی به بلوغ و کمال رهنمود شود. ازاین رو انسان کامل، خودسازِ دیگرپرور است. او حتی در برابر ناسپاسی و حق ناشناسی مردمان و نیز در برابر آزار آنان، همچنان و بلکه بیش از هر هنگام، غم خوار و خیرخواه ایشان است».  در حکایت است که در یکی از جنگ ها، مسلمانان، شمار زیادی از دشمنان اسلام را به اسارت گرفتند و آنها را به مدینه آوردند. چون رسول خدا صلی الله علیه و آله آنها را دید، تبسم کرد. کافران چون لبخند آن حضرت را دیدند، آن را بر شادمانی و خرسندی ایشان حمل کردند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله با نفی این برداشت، سبب تبسم را چیز دیگری دانست و فرمود: «لبخند من به دلیل شگفتی از قومی است که باید آنها را به زور غل و زنجیر به بهشت بُرد».  **مدارا در تبلیغ**  یکی از شرط های موفقیت در تبلیغ، مدارا با مردم است. انسان اهل مدارا، محبوب خداست؛ چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «اِنَّ اللّه َ رَفِیقٌ یُحِبُّ الرِّفْقَ؛ به درستی که خداوند اهل مداراست و مدارا را [نیز] دوست دارد.» همچنین از ایشان نقل است که فرمود: «هر که اهل مدارا با مردم باشد، به آنچه از آنان توقع دارد، می رسد.» نیز فرمود: «همان گونه که مأموریت تبلیغ دارم، مأموریت دارم با مردم مدارا کنم.» مدارا با مردم از سوی مبلّغ دینی، چهره دین را زیبا جلوه می دهد، دل های مردم را جذب می کند، از دشمنی ها می کاهد و در زدودن کینه ها و فروکش کردن درگیری ها تأثیر بسزایی دارد.  **مبلّغ و تکریم انسان ها**  تبلیغ، باید به همراه تکریم انسان ها باشد؛ چرا که خداوند وجود آدمی را ارج نهاد و فرمود: «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَم؛ به تحقیق ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم.» در قرآن کریم، نمونه ای از تبلیغ کریمانه را از سوی حضرت موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام مشاهده می کنیم. آن گاه که خداوند آنها را به منظور هدایت فرعون به سویش می فرستد، سفارش می کند: «به نرمی و ملایمت با او سخن بگویید؛ شاید متذکر شود یا [از خدا [بترسد.» آرامش و وقار همراه با گفتاری لطیف و مؤدبانه، نمونه ای از رفتار کریمانه است که خداوند آن را از موسی و هارون و همه مبلّغان الهی خواسته است.  **طمأنینه و خودباوری در پرتو توکل به خدا**  قرآن کریم به پیروانش درس شهامت و خودباوری می دهد و می فرماید: «سست نشوید و غمگین نگردید. شما برترید، اگر ایمان داشته باشید.» آن که پیرو راستین قرآن کریم و مبلّغ دین است، به درستی کار خویش اطمینان دارد و در راهی که می رود، راسخ و استوار است؛ چرا که در مسیر حق گام برمی دارد و حق نیز همیشه پیروز است. بایسته است مبلّغان دین، در خودباوری به رسول خاتم صلی الله علیه و آله اقتدا کنند؛ چنان که جواهر لعل نهرو در این باره گفته است: «حضرت محمد صلی الله علیه و آله از شهر مدینه، پیامی برای حکمرانان و پادشاهان جهان فرستاد و آنها را به قبول وجود خدای یگانه و رسولش دعوت کرد. لابد این پادشاهان و حکمرانان حیرت کردند که این مرد گم نام کیست که جرئت کرده است برای آنها دستور صادر کند. از فرستادن همین پیام ها می توان تصور کرد که حضرت محمد صلی الله علیه و آله چه اعتماد و اطمینان فوق العاده ای به خود و رسالتش داشته است و توانسته همین اعتماد و ایمان را در مردم کشورش به وجود آورد و به آنها الهام ببخشد، به طوری که آن مردان توانستند بر نیمی از جهان معلوم آن زمان مسلط گردند. ایمان و خودباوری، مسئله بزرگی است و این ثمرات عالی را به وجود می آورد».  **مردم شناسی مبلّغ**  یکی از شرایط موفقیت در امر تبلیغ، مردم شناسی مبلّغ است. شناخت فرهنگ و آداب و رسوم ملی، در نظر گرفتن نیازها، کمبودها و مشکلات ویژه مردم هر منطقه و نیز توجه به میزان تحصیلات و سطح آگاهی های مردم و مسائلی دیگر از این گونه، از شرایط اساسی کارآمدی امر تبلیغ به شمار می آید. در حقیقت بدون شناخت زمینه تبلیغ و روحیه مردم، هیچ گونه تضمینی برای نفوذ کلام و پیام وجود ندارد.  رهبر معظم انقلاب از نبود روان شناسی تبلیغی با عنوان یکی از کاستی های تبلیغ دین یاد می کند و می فرماید: «یا مثلاً می رود تبلغ کند، ولی روان شناسی تبلیغی ندارد و با مردم حرفی را می زند که حرف آنها نیست. حرفی را که باید در دانشگاه زد، در روستا می زند و حرفی که باید در روستا زده شود، در کارخانه می زند. بنابراین، تعلیم و روش یابی علمی و فراهم کردن مقدمات علمی برای تبلیغ، مثل روان شناسی اجتماعی، در حوزه نیست».  **تبلیغ، به انگیزه انجام وظیفه**  پافشاری در رسیدن به نتیجه یا شتاب زدگی در رسیدن به مقصود مورد نظر، از آسیب های تبلیغ است. در واقع مهم در امر تبلیغ، ادای تکلیف و رساندن پیام است و اثرگذار بودن تبلیغ را می توان فرع بر اصل تبلیغ دانست. خداوند نیز در قرآن کریم، وظیفه پیامبران الهی را تنها تبلیغ و رساندن پیام می داند و می فرماید: «فَهَلْ عَلَی الرُّسُلِ إِلاَّ الْبَلاغُ الْمُبینُ؛ آیا بر عهده رسولان، جز تبلیغی آشکار هست.» به تعبیر شیوای سعدی شیرازی:   |  |  | | --- | --- | | من آنچه شرط بلاغ است با تو می گویم | تو خواه از سخنم پند گیر و خواه ملال |   سعدی در جای دیگر می گوید:   |  |  | | --- | --- | | ما نصیحت به جای خود کردیم | روزگاری در این به سر بردیم | | گر نیاید به گوش رغبت کس | بر رسولان پیام باشد و بس |   باز در قرآن کریم می خوانیم: «اگر شما تکذیب کنید، مردمانی که پیش از شما بودند [نیز[ تکذیب کردند و بر عهده پیامبر، جز تبلیغی روشن گر هیچ نیست».  **سوء تبلیغ**  بعضی وقت ها اگر از چیزی ارزشمند به درستی تبلیغ نشود و آن چیز گران بها به خوبی عرضه نگردد، موجب بی رغبتی و بی اعتنایی مردم به آن می شود. عرضه ضعیف دین، دفاع بد از آن و رعایت نکردن ظرافت های تبلیغی، در حقیقت «سوء تبلیغ» از دین است که از زیبایی و آراستگی چهره آن در نگاه مردمان می کاهد. سعدی شیرازی نیز در حکایتی جالب، نمونه ای از سوء تبلیغ از دین را این گونه به نثر و نظم می کشد: «ناخوش آوازی به بانگ بلند قرآن همی خواند. صاحب دلی بر او بگذشت. گفت: تو را مشاهره (یعنی حقوق ماهانه) چند است؟ گفت: هیچ. گفت: پس چرا زحمت خود همی دهی؟ گفت: از بهر خدا می خوانم. گفت: از بهر خدا مخوان.   |  |  | | --- | --- | | گر تو قرآن بدین نَمَط خوانی | ببری رونق مسلمانی» |   **هم بشارت و هم انذار**  مبلّغ راستین کسی است که هم مردم را به رحمت خداوند امیدوار می سازد و هم عذاب پروردگار را به آنان گوشزد می کند. وی نه یکسره مردمان را امیدوار می سازد، به گونه ای که ناخواسته زمینه لغزش را برای آنان فراهم آورد و نه آنها را ناامید می کند، تا آنجا که انگیزه انجام کارهای شایسته را از آنان باز ستاند. در این باره خداوند خطاب به پیامبرش می فرماید: «وَ ما اَرْسَلْناکَ اِلّا مُبَشِّرا وَ نَذِیرا؛ تو را نفرستادیم مگر آنکه هم بشارت دهی و هم بترسانی». امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام نیز در این زمینه می فرماید: «فقیه تمام عیار کسی است که مردم را از رحمت خدا نومید نکند و آنان را از فیض درگاهش نا امید نگرداند و همچنین از عذاب خدا ایمنشان نسازد.» گفتنی است هراس از دوزخ، در واقع همان چهره اخم آلود بشارت است؛ چرا که میوه خوف از عذاب خدا، راه یابی به بهشت است. به تعبیر زیبای مولانا:   |  |  | | --- | --- | | «لاتَخَفْ» دان چون که خوفت داد حق | نان فرستد چون فرستادت طَبَق |   **بردباری در امر تبلیغ**  جاده تبلیغ، مسیری ناهموار است و بی گمان مبلّغ، در این راه با ناگواری ها و سختی هایی روبه رو خواهد شد. ازاین رو، مبلّغ دینی تنها با بردباری می تواند بر ناگواری ها غلبه کند و پیروز میدان گردد. مولانا می گوید:   |  |  | | --- | --- | | تیغ حلم از تیغ شمشیر تیزتر | بَلْ ز صد لشکر ظفَرانگیزتر |   از امیرمؤمنان علی علیه السلام در این باره نقل است که: «نخستین دستاورد بردبار از بردباری خود، پشتیبانی مردمان از او در برابر نادان است.» مبلّغ با بردباری، از خطرهای خشم و پی آمدهای ناگوار آن حفظ می شود و در نتیجه، شخصیت او از آسیب، ایمن می ماند. سعدی می گوید:   |  |  | | --- | --- | | در خاک بیلقان برسیدم به عابدی | گفتم مرا به تربیت از جهل پاک کن | | گفتا برو چو خاک تحمل کن ای فقیه | یا هرچه خوانده ای همه در زیر خاک کن |   **عمل به گفته ه**  قرآن کریم می فرماید: «آیا مردم را به نیکی فرا می خوانید، ولی خودتان را فراموش می کنید.» مبلّغی که به گفته هایش عمل نمی کند، افزون بر آنکه تأثیر سخنانش از دست خواهد رفت، در نگاه مردم نیز بی اعتبار می شود. حضرت علی علیه السلام می فرماید: «ای مردم! به خدا سوگند که من شما را به طاعتی وادار نمی کنم مگر آنکه خود پیش از آن بدان عمل کرده ام و از معصیتی باز نمی دارم جز آنکه پیش تر آن را ترک گفته ام».  سعدی شیرازی نیز در مورد عالمان بی عمل می گوید:   |  |  | | --- | --- | | ترک دنیا به مردم آموزند | خویشتن سیم و غلّه اندوزند | | عالمی را که گفت باشد و بس | هرچه گوید نگیرد اندر کس | |